

شاخصه‌های ارزیابی کارآمدی سیاسی بر مبنای نصوص اسلامی در نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه

سید جلال موسوی شریانی^۱

چکیده

سؤال‌ای که در این تحقیق در پی پاسخ به آن هستیم این است که شاخصه‌های ارزیابی کارآمدی سیاسی بر مبنای نصوص اسلامی در نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه چیست؟ در همین راستا با توجه به روش تحقیق اسنادی-کتابخانه‌ای و همچنین با معیار قراردادن نظریه ترکیبی (با محوریت انجام تکلیف) که از نظریات موجود در باب سنجش کارآمدی دولتهاست، به این نتیجه رسیدیم که سنجش کارآمدی بر مبنای نصوص اسلامی نشان می‌دهد کارآمدی سیاسی در گرو پابندی فکری و عملی به تعالیم اسلامی است و خدا باوری و حق محوری روح حاکم بر سیاست دینی در اسلام و اندیشه حکومت ولایت فقیه است. لذا برای کارگزاران و مجریان حکومت اسلامی کمبودی در تولید نرم افزارهای کارآمدی و حرکت در مسیر نظام حاکم بر اساس آموزه‌های دینی نیست تا نیازمند وام‌گیری از مبانی اندیشه‌ای بیگانه باشد. چراکه شاخص و میزان در کارآمدی سیاسی دولت اسلامی تابعی است از میزان پابندی اعتقادی و عملی به تکالیف الهی و ارتقاء سطح کارآمدی آن نیز، در پاسخگویی به نیازهای جامعه است، بنابراین به مقتضای مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، نه خدامحوری و آخرت‌گرایی در تضاد با آبادانی دنیا است و نه آبادانی دنیا مانع از سعادت‌مندی اخروی و کارآمدی است. در نتیجه تدبیر درست دنیا می‌تواند در راستای اهداف اخروی هم باشد.

واژه‌گان کلیدی: کارآمدی، شاخصه‌های کارآمدی، نصوص اسلامی، نظام ولایت فقیه.

مقدمه

از مهمترین مسائلی که در نظام‌های سیاسی مطرح می‌باشد، مسئله کارآمدی است که مبین موفقیت یک نظام در نیل به اهدافش می‌باشد. این امر هم ثابت شده است اگر دولت‌ها و نظام‌های سیاسی بخواهند دوام و بقا داشته باشند لاجرم باید کارآمدی خود را به اثبات برسانند که نتیجه حداقلی آن تامین عنصر حمایت ذهنی افراد جامعه از حکومت خواهد بود. البته باید توجه داشت که هر نظام سیاسی و حکومتی مبتنی بر یک سلسله بنیان‌های نظری است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تاسیس دولت‌ها به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی و... آن دارد. به طور مشخص بعد آرمانی و باورها شامل مجموعه ایده‌ها و اندیشه‌های حاکمیت، تئوری‌ها و سازوکارهای نظری اداره جامعه توسط نظام حاکم است. در این بین توجه به شاخص‌های برآمده از آن ایده‌ها و باورها نقش موثری می‌تواند در کارآیی و رسیدن به اهداف آن داشته باشد. وقوع انقلاب اسلامی ایران و تشکیل نظام جمهوری اسلامی بعنوان یک نظام مردم‌سالار دینی، از همان ابتدا مدعی کارآمدی دین در عرصه سیاسی و اجتماعی بوده است و مدیریت دینی را حتی فراتر از مرزهای ملی خود نوید بخش نیل به اهداف و آرمان‌های انسانی و اسلامی خود می‌داند لذا الگویی جدید در نظام دو قطبی حاکم بر جهان بوده که نه الگوی غرب را پذیرفته بود و نه الگوی شرق را. با پیروزی معجزه‌آسای انقلاب اسلامی که بعداً عمود خیمه نظام کمونیستی و سوسیالیستی شرق فروریخت و مشخص شد که دین نه تنها افیون توده‌ها نیست بلکه می‌تواند موج خروشان را علیه ظلم و استبداد و استثمار و استعمار به وجود آورد. تنها رقیب در صحنه نظام لیبرال دموکراسی غرب باقی ماند که عمود خیمه آن نیز متزلزل شده است، زیرا دین و آموزه‌های وحیانی از ساحت فردی به ساحت اجتماعی و حکومتی آمده، و ادعای آنان که دین در عرصه سیاسی و حکومتی ناکارآمد است و نباید وارد عرصه سیاست و حکومت شود را به شدت مخدوش کرده است لذا یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های نظام جمهوری اسلامی از بدو

شکل گیری و پیروزی آن تاکنون، چالش کارآمدی نظام در ارتباط با رقیب و دشمن خود یعنی نظام لیبرال دموکراسی است. که مرتب بر طبل ناکارآمدی دینی می کوبد و نسبت به بارزترین مصداق آن یعنی انقلاب اسلامی با ایجاد انواع موانع سعی در نابودی و ناکارآمد کردن آن دارد تا الگوی موفق یک حکومت دینی فارغ از الگوی غربی برای دیگر ملتها نباشد. لذا برآنیم با بهره گرفتن از نصوص قرآنی و روایی شاخصه های کارآمدی را براساس آن تبیین کنیم تا مشخص شود مولفه های فکری و فرهنگی نظام حاکم بر جمهوری اسلامی، نه تنها در این باب از متون وحیانی چیزی کم نداشته و نیازمند مولفه های کارآمدی در شاخص های غربی و غیر دینی آن نیست بلکه بلحاظ فرا بشری بودن نیز به راحتی می توان بنیان کارآمدی یک نظام دینی را بر آن بنا نهاد.

چارچوب مفهومی پژوهش

در این پژوهش آنچه بعنوان چارچوب مفهومی می تواند ملاک عمل ما باشد عبارت است از: نظریه ترکیبی توفیق و انجام تکلیف (با محوریت انجام تکلیف) در این نظریه با مرور دیدگاه های قبلی به دنبال یافتن ملاک های برتر در کارآمدی فقه سیاسی هستیم، براساس آموزه های امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه شاخص اصیل و اصلی در سنجش کارآمدی «انجام تکلیف» است.^۱

بنابر نظریه انجام تکلیف، کارآمدی یک نظام با میزان تعهد و التزام حکومت به تکالیف مورد نظر جامعه سنجیده می شود؛ صرف نظر از این که این وظایف در عرصه عمل تا چه حدی به توفیق دست یافته اند و یا میزان رضایت مردم در تحقق این تکالیف چقدر است؛ بنابراین صرف انجام تکلیف، حاکی از کارآمدی است و هر مقدار که حکومت کنندگان به تکالیفی که از یک منبع فرا بشری گرفته اند، بیشتر عمل کنند، کارآمدتر تلقی می شوند.^۲

^۱ سید مهدی فقیهی، شکوه کارآمدی فقه سیاسی، ص ۳۰ و ۳۱

^۲ ذو علم، ۱۳۷۹، ۵۸

لذا مفهوم کارآمدی در این نوشتار بیشتر ناظر به انجام تکلیف است یعنی تحقق اهداف از پیش تعیین شده و در گرو انجام تکلیف نهاده شده است و تعریف مختار ما از کارآمدی در یک نظام دینی را باید کارآمدی در جهت بفهمیم کارآمدی در جهت یعنی مطابق با نظام ارزشی حاکم بر یک نظام سیاسی که تعیین کننده جهت یک نظام دینی است. بنابراین از منظر این تعریف، کارآمدی امری نسبی است و معیار قضاوت و ارزش‌گذاری درباره کارآمدی یا ناکارآمدی یک نظام را باید با اهداف خود آن نظام سیاسی سنجید، نه با اهداف دیگران. لذا کارآمدی برپایه نظریه انجام تکلیف، با تبیین و تعیین شاخص‌ها و محورهایی که وظایف و تکالیف نظام سیاسی را مشخص می‌کند، میزان التزام و تحقق این تکالیف، ملاک کارآمدی دانسته می‌شود.

فرضیه تحقیق

شاخصه‌های ارزیابی کارآمدی سیاسی در نظام‌های سیاسی مختلف اعم از دینی و غیردینی از طریق عناوین ثابتی مورد ارزیابی و سنجش قرار می‌گیرد. که درصد بالای موفقیت آنها در آن شاخصه‌ها میزان توفیق یا عدم توفیق شان را در کارآمدی و یا عدم آن رقم می‌زند این شاخصه‌ها به‌رغم اشتراک لفظی، در موارد زیادی دارای اختلاف ماهوی هستند در نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه که شاخص‌های کارآمدی در آن که به دلیل اختلاف ماهوی‌شان در نظام‌های سیاسی غیردینی با منطقی متفاوت از منطق نظام‌های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. در واقع برآمده از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می‌باشد که بلحاظ اولویت بندی عبارتند از: ۱- حاکمیت قانون ۲- عدالت اجتماعی ۳- امنیت و ثبات سیاسی ۴- مسئولیت‌پذیری و نظارت ۵- مشارکت سیاسی ۶- مبارزه با فساد ۷- آزادی‌های مدنی. که البته همه این شاخصه‌ها با رویکرد عقل‌گرایی، مصلحت‌محوری و وحدت‌گرایی مورد ملاحظه قرار می‌گیرند.

شاخصه های ارزیابی کارآمدی بر مبنای نصوص اسلامی

همانطور که ذکر شد هر نظام سیاسی و حکومتی مبتنی بر یک سلسله بنیان‌های نظری است که در حکم علت پیدایش یا اندیشه بنیادین تاسیس دولت‌ها به شمار می‌روند و ریشه در باورها، ارزش‌های بنیادین، آرمان‌ها، منافع، ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی و... آن دارد و کارآمدی سیاسی آن نظام نیز در گرو عمل به آن ارزش‌های بنیادین و آرمان‌ها و منافع و ایدئولوژی و فرهنگ سیاسی آن نظام است. نظام برآمده از اندیشه ولایت فقیه نیز از این قاعده مثنی نبوده و از آنجاییکه شاخص‌های کارآمدی در آن با منطقی متفاوت از منطق نظام‌های سیاسی غیردینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند در واقع برآمده از نصوص اسلامی و اندیشه دینی می‌باشد لذا به‌طور کلی شاخصه‌ها و مکانیسم‌های ارزیابی کارآمدی بر مبنای نصوص اسلامی بر اساس اولویت آنها با توجه به صراحت آیات و روایات به قرار است که در ذیل می‌آید.

۱- حاکمیت قانون

محوریت قانون یکی از اهداف اساسی در نظام‌های سیاسی است که موکدا نیز مورد توجه اسلام بوده و رعایت آن ضروری می‌باشد. به عبارتی شاخص مؤثر در کارآمدی نظام سیاسی، قوانین اعتقادی و ارزشی اسلام است. لذا قوانین و مقررات مناسب برای نظام سیاسی با عنایت به انعطاف‌پذیری احکام اسلام و قابلیت تطابق آن با شرایط زمان و مکان، برگرفته از قرآن و سنت و شریعت الهی حاکم خواهد شد.

در حاکمیت قانون الهی، هیچ کس مقدم بر قانون نیست و نافرمانی الهی محال است و ظلم حتی به کوچک‌ترین موجود هستی ممنوع است در سیره امیرالمومنین حتی گرفتن کاهی از دهان مورچه را جایز نمی‌داند. حاکم اسلامی که آراسته به علم و فقاقت است ذیل قانون تعریف می‌شود.

حاکمیت قانون، رعایت حقوق همه در جامعه و مخصوصاً نظم اجتماعی می‌باشد در اولویت بندی شاخصه های کارآمدی از نصوص اسلامی اولویت با حاکمیت قانون است

چراکه اگر قانون حاکمیت نداشته باشد نظمی نخواهد بود و اگر نظم و انضباطی نباشد هرج و مرج و از بین رفتن و انحطاط جوامع را شاهد خواهیم بود. بنابراین قانون، مساوی با نظم مداری است.

حاکمیت قانون در قرآن و روایات

قوانین الهی در حکومت اسلامی که اصول و ضوابط حاکمیت می باشد خداوند، «شارع» و قانونگذار است و پیامبران برای ابلاغ قوانین الهی برای بشریت مبعوث شده اند که به آن هدایت، تشریحی نیز می گویند. «إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ بَعْدِهِ... لِنَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا (۱۶۵ نساء) محال است که خداوند انسان را که به هدایت و قانون نیاز دارد، از آن محروم سازد: «ما كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى تَبْعَثَ رَسُولًا» (۱۵ اسراء) «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا» (۹ اسراء) این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است: «وَلَقَدْ جِئْنَاهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (۵۲ اعراف)

در دین اسلام یکی از دلایل کاستی قوانین بشری بر اساس آیه ۸۵ اسراء و ما أوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا^۱ جز اندکی از دانش، به شما داده نشده است. می باشد. کاستی دیگری که متوجه قوانین بشری است، اغراض، امیال و وابستگیهای قانونگذار است که رنگ خاصی به قانون می‌دهد. این امر باعث می‌شود به جای تأمین حق و عدالت، منافع فرد و گروه خاصی رعایت شود.^۱

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند مبعوث و مأمور تشکیل حکومت بوده و هدف ایشان بیان احکام (تلاوت آیات خدا)، پاک نمودن انسانها از آلودگیها و آموزش

^۱ رضا حق پناه منبع: اندیشه حوزه ۱۳۷۷ شماره ۱۴

کتاب و حکمت بوده است. هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ (جمعه ۲/)

براین اساس قوانین الهی سه رکن اساسی دارد: تعلیم حکمت، تزکیه نفس و تنظیم جامعه، که در پرتو آنها سعادت حقیقی بشر از تمام جهات تأمین می شود. با عمل به دستورات الهی، علاوه بر تأمین سعادت دنیوی، سعادت اخروی نیز که بسی والاتر و مهمتر است، فراهم می شود.^۱

با رعایت این اصول و موازین، قانون الهی در جامعه گسترش می یابد و احکام خدا اجرا می شود و بدین وسیله جایگاه و نقش ویژه حاکمیت و حکومت اسلامی در حفظ و گسترش ارزشهای الهی و انسان نمودار می شود.

۲- عدالت اجتماعی

در اولویت بندی شاخصه های کارآمدی، مهم ترین شاخصه بعد از حاکمیت قانون که قوام جامعه و نظم آن، بدان بستگی داشت. عدالت اجتماعی است این شاخصه مهم در مباحث کارآمدی جایگاه ویژه ای دارد؛ تا جایی که قوام حقیقت حیات آدمی بر آن مبتنی است: «پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ؛ آسمانها و زمین، با عدالت، پا برجا می مانند.»^۲

عدالت در قرآن و روایات

قرآن کریم «اقامه قسط» را هدف از برانگیختن پیامبران و ارسال کتب می داند: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/۲۵) یکی از اصول تحقق عدالت در اسلام، آن است که همه در برابر قانون مساویند. انسانها ذاتاً هیچ مزیتی بر یکدیگر ندارند. سرشت و هدف از خلقت همه، مشترک است. اختلافات حقوقی ناشی از نژاد، طبقه، ثروت و غیره، در اسلام اساسی ندارد. نه کسی برای بردگی آفریده

^۱ محمود شهبایی، ادوار فقه، ج ۱، ص ۲۰-۱۶

^۲ ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللثالی، ج ۴: ص ۱۰۳

شده و نه گروه خاصی برای سروری؛ تقوا تنها معیار برتری است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (۱۳ حجرات). در ذیل این آیه آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يا أيها الناس أَلَا إِنَّ رَبَّكُمْ وَاحِدٌ، أَلَا إِنَّ أَبَاكُمْ وَاحِدٌ أَلَا لَأَفْضَلُ لِعَرَبِيٍّ عَلَى عَجَمِيٍّ وَلَا لِعَجَمِيٍّ عَلَى عَرَبِيٍّ وَلَا لَأَسْوَدَ عَلَى الْأَحْمَرِ وَلَا لَأَحْمَرَ عَلَى الْأَسْوَدِ إِلَّا بِالتَّقْوَى»^۱

قوانین عادلانه اسلام همه ابعاد زندگی را شامل می‌شود. به تعبیر دیگر، با اجرای قوانین الهی، در تمام زمینه‌ها عدالت برقرار خواهد شد؛ ارزش و بزرگی عدالت در سطح اجتماع از منظر قرآن به حدی است که به صورت اصلی بنیادین بدل ناپذیر مطرح گشته و خداوند به طور قاطع به آن فرمان می‌دهد و آن را واجب می‌کند: «ان الله يامر بالعدل...» (نحل / ۹۰) «يا داود اَنَا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْعَدْلِ» (ص / ۲۶)

رسول گرامی نیز در طول دوران رسالتشان اجرای عدالت را سرلوحه برنامه‌های خود قرار داده بودند؛ چنان که حضرت علی (ع) در توصیف سیره آن حضرت می‌فرماید: «سِيرَتُهُ الْقَصْدُ وَ سُنَّتُهُ الرُّشْدُ وَ كَلَامُهُ الْفَصْلُ وَ حُكْمُهُ الْعَدْلُ»^۲؛ راه و رسم او معتدل، روشش صحیح و متین، سخنانش روشنگر حق از باطل، و حکمش عادلانه بود.

این اصل قرآنی (اجرای عدالت کامل در جامعه بشری) در سیره عملی رسول خدا صلی الله علیه و آله آشکار بود. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «بطل ما كان في الجاهلية واستقبل الناس بالعدل»^۳.

پیامبر صلی الله علیه و آله رسوم جاهلیت را از میان برد و در برخورد با مردم از عدالت آغاز کرد.

بدین وسیله حیات و زندگی این مفهوم از سر گرفته شد و ارزش فوق‌العاده‌ای یافت و از این رو علی علیه السلام آن را از جود و بخشش برتر می‌داند؛^۱ زیرا از نظر آن حضرت

^۱ کراچکی، ابوالفتح، معدن الجواهر، قم، مهراستوار، ۱۳۹۴ق، چاپ دوم، ص ۲۱ و هیشمی

^۲ نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چ هفدهم، قم، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین ۱۳۸۲، خطبه ۹۴، ص ۱۲۴.

^۳ الحیاء، ج ۶، ص ۳۵۹

«آن اصلی که می تواند تعادل اجتماعی را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد، به پیکر اجتماع سلامت و به روح اجتماع آرامش بدهد، عدالت است. آدر فرمایشی دیگر حضرت امیرالمومنین می فرماید: «مقصد همه تلاشها و مبارزات ما اصلاح شهرها، بازگرداندن نشانه های از بین رفته دین و برقراری امنیت برای مظلومان می باشد.»

بنابراین امرگزینش کارگزاراسلامی، استخدام بی ضابطه بعنوان خیانت به مسلمین، ندادن کار مدیریتی به ابوذر توسط پیامبر و علی علیه السلام بخاطر عدم توانایی، تقبیح مقدم کردن فرومایگان و موخر کردن فرزندگان، کلیدواژه این شاخص مهم در برقراری عدالت اجتماعی محسوب می شود. از آنجا که عدالت اجتماعی برای جوامع جنبه حیاتی دارد و نبودن آن مرگ هر اجتماعی را اعلام می دارد، آیین مقدس اسلام مقرر داشته است که عدالت باید بدون توجه به اختلاف های قومی و ملی و حتی مذهبی و در یک سطح عمومی و همه جانبه و درباره همه افراد حتی نسبت به مخالفان و دشمنان اجرا گردد، قرآن تأکید می کند مبادا دشمنی با گروهی، شما را به بی عدالتی وادار کند.^۳

رسول اکرم(ص) فرمودند: کسانی که قبل از شما زندگی می کردند، از بین رفتند، زیرا چون بزرگی و صاحب عنوانی از آنها مرتکب سرقت می گردید، متعرض وی نمی گشتند ولی اگر فرد بینوایی دزدی می کرد او را تنبیه می نمودند!^۴

۳- امنیت و ثبات سیاسی

بعد از ذکر اولویت شاخصه های حاکمیت قانون و عدالت اجتماعی، در اولویت بندی شاخصه های بحث کارآمدی سیاسی از منظر نصوص اسلامی به شاخصه امنیت و ثبات سیاسی پرداخته می شود.

^۱ نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

^۲ سیری در نهج البلاغه، ص ۸۰

^۳ مطهری، تاریخ فلسفه در اسلام، ص ۸۱۵

^۴ علامه طباطبائی، المیزان، ج ۱۹، ص ۱۹۸

مفهوم امنیت، مصونیت از تعرض و تصرف اجباری، بدون رضایت است و در مورد افراد به معنای آن است که نسبت به حقوق و آزادیهای مشروع خود بیم و هراسی نداشته باشند و تحت هیچ شرایطی حقوق مشروع آنان به مخاطره نیفتاده و عاملی این حقوق را تهدید ننماید.^۱

امنیت یکی از موضوعات بسیار مهمی است که در قرآن و روایات به گستردگی به آن اشاره شده است.

امنیت در قرآن و روایات

نمونه‌های از این آیات عبارتند از:

الف. قرآن یکی از اهداف استقرار حاکمیت خدا و استخلاف صالحان و طرح کلی امامت را تحقق امنیت معرفی کرده است: وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا (نور: ۵۵)

علامه طباطبائی این آیه را وعده جمیل و زیبایی دانسته که خداوند به مؤمنان که عمل صالح هم دارند، داده است. به آنان وعده داده که به زودی جامعه صالحی مخصوص به خودشان برایشان درست می‌کند و زمین را در اختیارشان می‌گذارد و دینشان را در زمین متمکن می‌سازد و امنیت را جایگزین ترسی که داشتند می‌کند؛ امنیتی که دیگر از منافقین و کید آنان، و از کفار و جلوگیری هایشان بیمی نداشته باشند، خدای را آزادانه عبادت کنند و چیزی را شریک او قرار ندهند.^۲

ب. بنا به آیه وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا حضرت ابراهیم، هنگام بنا نهادن کعبه به این نیاز فطری توجه کرد و از خداوند خواست که آن سرزمین را از نعمت «امنیت» برخوردار سازد. (بقره: ۱۲۶) خداوند نعمت امنیت را از اساسی‌ترین نیاز فطری انسان‌ها

^۱ عمید زنجانی عباسعلی، مبانی اندیشه سیاسی اسلام، ص ۲۹

^۲ علامه طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ترجمه سیدمحمدباقر همدانی، ص ۲۰۹

دانسته، مهم ترین خواسته پیامبر خود حضرت ابراهیم (علیه السلام) را هنگام بنا نهادن کعبه این گونه یاد کرده است. (فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَ آمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ) (قریش ۳ و ۴) و نیز خداوند جهان به همین سرزمین دارای امنیت، برای بیان چگونگی آفرینش انسان سوگند خورده است. (وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ * لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ) (تین ۳ و ۴)

امن دانستن خانه کعبه توسط خداوند متعال در حقیقت بیانگر جایگاه ارزنده امنیت است که این بنای مقدس با آن وصف شده است. این ویژگی کعبه در آیات فراوانی یاد شده است. هم چنان که در سوره تین مکه معظمه به «بلد امین» توصیف شده است: امنیت بزرگ ترین پاداشی است که در تمیز اهل حق از باطل، به اهل حق اعطا می شود. قرآن می فرماید: فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ. آیا کدام یک از ما دو گروه به ایمنی سزاوارتریم اگر شما فهم سخن می کنید؟! (انعام: ۸۱) پیوند ناگسستنی این اصطلاح با نفس کلمه اسلام، ایمان، و مومن حاکی از اهمیت فوق العاده مفهوم امنیت است.^۱

در سخنان معصومین علیه السلام و روایات آن بزرگواران نیز، مطالب فراوانی درباره اهمیت و ضرورت امنیت وارد شده است روایات معصومان (علیهم السلام) همانند قرآن بیانگر این نکته مهم است که هرگونه امنیتی، در ایمان و باورهای معنوی و الهی ریشه دارد و هرگونه ناامنی در هر عرصه ای، بالاخره ریشه اش به بی ایمانی و صفاتی مانند شرک، کفر، ظلم، استکبار و... برمی گردد. از باب نمونه مواردی ذکر می شود:

پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: مَنْ أَصْبَحَ مُعَافَى فِي جَسَدِهِ آمِنًا فِي سَرْبِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّ مَا خَيْرَتْ لَهُ الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا^۲ هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش را دارد جهان سراسر مال اوست.

^۱ بهرام اخوان کاظمی، امنیت در نظام سیاسی اسلامی، ص ۱۵۲

^۲ رسول اکرم (ص)، نهج الفصاحه، ص ۵۹

امام صادق(ع) زندگی بدون امنیت را ناقص و ناگوار شمرده است و در این راستا فرموده اند: *خَمْسُ خِصَالٍ مَنْ فَقَدَ وَاحِدَهُ مِنْهُنَّ لَمْ يَزَلْ نَاقِصَ الْعَيْشِ زَائِلَ الْعَقْلِ مَشْغُولَ الْقَلْبِ فَأُولَئِهَا صِحَّةُ الْبَدَنِ وَالثَّانِيَةُ الْأَمْنُ وَ...*^۱ پنج چیز است که حتی اگر یکی از آنها برقرار نباشد، زندگی ناقص و ناگوار است، عقل نابود می‌شود و مایه دل مشغولی می‌گردد: اولین این پنج چیز سلامتی و دومین آن امنیت است.

امام علی(ع) می‌فرماید: رفاهیه العیش فی الامن؟ رفاه زندگانی در امنیت است. بطور کلی این اصل در همه حکمرانی‌ها امر پذیرفته شده ایست که: در شیوه حکومت آنچه که نقطه ایده آل و کمال مطلوب محسوب می‌شود آنست که هم قوانین و هم تطبیق و اجرای آن عادلانه باشد. اما اگر به هر دلیلی این امر میسر نباشد، استقرار حکومتی که حافظ امنیت مردم، پاسدار استقلال و تمامیت ارضی کشور است، از نبود قدرت سیاسی، که منجر به هرج و مرج و آناشیسیم ناشی می‌شود، بهتر است.

۴- مسئولیت پذیری و نظارت

نظارت همگانی بر امور اجتماعی و سیاسی مسئولان و مردم اهمیت بسیاری دارد؛ آن‌گونه که با اجرای صحیح آن می‌توان برخی از مسایل و مشکلات درون حکومت را حل کرد و به کارآمدی رسید. امر به معروف و نهی از منکر بیانگر همین شاخص مهم مسئولیت و نظارت همگانی است، از این رو عدم نظارت و مسئولیت‌پذیری از جانب مردم موجب ناکارآمدی نظام خواهد شد.

مسئولیت پذیری و نظارت در قرآن و روایات

آیاتی از قرآن نیز بر این امر دلالت دارد *وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ* (آل عمران ۱۰۴) *كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ*

^۱ بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۷۱، حکمت ۱

^۲ غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۷، ش ۱۰۲۵۳

أَخْرَجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ... (آل عمران ۱۱۰) در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: كُلكُمْ رَاعٍ وَكُلكُمْ مَسْؤُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ.

در بین مردم بودن حاکم، عدم سلسله مراتب تشریفاتی، تقوای فردی، توجه دادن پیامبر بر انجام کار درست حتی کندن قبر، در سیره حضرت امیر، طرح اقامه دعوا علیه حکومت، از کلید واژه‌های این شاخصه است.

از منظر اسلام خداوند متعال در برابر هر نعمتی، مسئولیتی را بر عهده انسان قرار داده و به میزان مسئولیت نیز از انسان بازخواست خواهد نمود، مهم آن است که مسئولیت‌ها را به خوبی بشناسیم و در مقام عمل به وظیفه خود عمل کنیم.

در قرآن مجید آیات فراوانی وجود دارد که اهمیت مسئولیت پذیری را برای انسان بیان کرده است؛ مثلاً قبول مسئولیت در قرآن به بار سنگین تشبیه شده است: «وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى؛ هیچ گناه کاری، بار گناه دیگری را بر دوش نمی کشد».

وجود نظام نظارت و بازرسی لازمه حفظ سلامت و رشد و توسعه هر مجموعه و سازمان و موجب پیشرفت و تعالی کارکنان آن است.

حضرت امام رضا(ع) در مورد سیره نظارتی و بازرسی پیامبر گرامی ص می فرماید: «سیره و روش پیامبر ص این بود که هر گاه سپاهی را به ماموریت می فرستادند و فرماندهی برای آن تعیین می کردند، برخی از افراد موثق و مورد اعتماد خود را بر او می گماشتند تا رفتار و عملکرد او را زیر نظر بگیرد، برای رسول خدا ص گزارش کند»^۱.

امام علی (ع) لحظه ای آرام و قرار نداشت و هرگز خود را آسوده و بی مسئولیت نمی دانست. احساس مسئولیت آن حضرت در اداره امور، تنها در حد ابراز احساسات و عواطف نبود بلکه بی درنگ اقدام می کرد و جلو ظلم و ستم را می گرفت و به جبران مافات می پرداخت. گاهی از عملکرد نادرست کارگزاری، جانش به درد می آمد و اشک از دیدگانش روان می شد و می گفت: خدایا! تو شاهد باش بر من و این جماعت. من در

^۱ وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، جلد ۱۱، صفحه ۴۴

حکومت به آنان دستور ستم بر مردم و ترک حق تو را نداده ام. ایشان وقتی شکایت سوده همدانی را از یکی از حاکمان شنید، بی درنگ اقدام کرده او را از مسند قدرت برکنار نمود.

سیره حضرت امیر مومنان علی(ع)

حضرت علی(ع) در دوران حکومت و مدیریت خود، در زمینه نظارت و مراقبت بر کارگزاران خود بسیار دقیق و هشیارانه عمل می کردند پرداختن به تمام سیره آن حضرت در حوصله این مختصر نیست.

۵- مشارکت سیاسی

پنجمین اولویت از شاخصه های کارآمدی سیاسی بر اساس نصوص دینی و اسلامی مشارکت سیاسی است که در قرآن و منابع روایی دارای جایگاه رفیع در حکمرانی است امروزه مشارکت و همیاری در زمینه های مختلف از شاخصه ها و مکانیسم های کارآمدی و از اهداف نظام سیاسی به شمار می رود. این حق عمومی بی گمان در راستای جلوگیری از استبداد حکومتی و به دست آوردن آزادی های مدنی است. لزوم مشورت با متخصصان و خبرگان جامعه و تصلب نداشتن بر نظر شخصی از سوی مسئولان جامعه، از امور مورد تأکید قرآن است؛

مشارکت سیاسی در قرآن و روایات

از نظر قرآن نظامی که مستبد در رای و عمل است و هیچ گونه مشارکت حتی در سطح مشورت را بر نمی تابد قبول نبوده و مسئولان و رهبران اجتماع و امت اسلام باید رفتاری در پیش گیرند که تشابهی به رویه و عادت این نظام های استکباری و ظالم نداشته باشد. چرا که نظام سیاسی اسلام مردم را به مشارکت فعال در عرصه عمل اجتماعی در قالب های گوناگون از جمله مشورت در امور اجتماعی مهم دعوت کرده و آن را وظیفه خود و جامعه می داند. اصولاً امت نمونه از نظر قرآن دارای ویژگی هایی است که مشارکت فعال اجتماعی به عنوان یک وظیفه برای آنان تعریف شده است. آنان با مشارکت در همه

عرصه ها از عمل و نظارت و مشاورت و بیعت و مانند آن باید سرنوشت شخصی و اجتماعی و جمعی خود را رقم زنند و به عنوان سرمشق برای امت در آیند. خداوند می فرماید: وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ؛ و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم تا بر مردم گواه باشید. (بقره، آیه ۱۴۳)

خداوند در قرآن کریم درباره سنت و سیره عملی پیامبر(ص) به عنوان یک نظام سیاسی سرمشق و شاهد بر امت ها می فرماید فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لَنْتَ لَهُمْ وَاَنْتَ كُنْتَ فَطْرًا غَلِيظًا الْقَلْبِ لِأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ (۱۵۹ آل عمران)

نظام سیاسی ولایی این گونه عمل می کند که در این آیه آمده است. مهرورزی و گذشت و عطوفت در رفتار و کلام و همچنین مشاوره با مردم در امور به عنوان یک رویه در نظام اسلامی تثبیت شده و وظیفه و تکلیف مسئولان و رهبران دانسته شده است. خداوند درباره فرهنگ عمومی جامعه و امت اسلامی می فرماید: وَأْمُرْهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ؛ کارشان در میانشان مشورت است. (شوری، آیه ۳۸) بنابراین آیه کریمه به صراحت، مشارکت خواهی را در امری که نقش تعیین کننده در سرنوشت سیاسی جامعه و رابطه دوسویه فرماندهی و فرمانبری حکومت و مردم دارد تأیید می کند و پیامبر را به عنوان حاکم و فرمانروای دینی و سیاسی جامعه و ادار به پذیرش آن می سازد. اصولاً جامعه اسلامی با مشارکت خواهی از مردم بویژه در مشورت و بهره گیری از عقول به عنوان فرهنگ عمومی بر آن است تا سطح مشارکت فعال را افزایش دهد.^۱

در مورد مشارکت سیاسی از نظر قرآن، تغییرات مثبت و منفی اجتماعی برآیندی از مشارکت فعال مثبت و منفی گروه های اجتماعی است که در یکدیگر تاثیر دارند. خداوند می فرماید: ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَى قَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر

^۱ سرویس کیهان تاریخ انتشار: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، محسن عبداللهی

نمی‌دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در روان‌ها و جانهای خویش دارند، تغییر دهند و خدا شنوای داناست. (انفال، آیه ۵۳) پس تغییرات اجتماعی در سایه مشارکت مثبت و منفی اجتماعی افراد آن جامعه انجام می‌شود و این انسان است که سرنوشت خوب و بد را برای خود و جامعه رقم می‌زند.

در روایات نیز بر مشاوره تأکید بسیاری شده است. برای مثال در سخنی از امام علی (ع) آمده است: من استبد برأیه هلك و من شاور الرجال شاركها في عقولهم.^۱ از این رو، سزاوار است که در نظام‌های سیاسی، مسئولان امر با مراجعه به کارشناسان و متخصصان متعهد در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، در راستای کارآمدی و حل مشکلات نظام گام بردارند.^۲

حضور مردم، مشورت و شوری، نظارت و امر به معروف ونهی از منکر بعنوان کلید واژه‌های این شاخص می‌باشند. البته نباید این مهم را از نظر دور داشت که ایمان، علم، دانش، تجربه، خیر خواهی و .. را از خصوصیات مشاوران و به تبع آن بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی جامعه می‌تواند سطح مشارکت سیاسی را در بازتاب کارآمدی ارتقا دهد.

بنابراین آنچه بیان شد و آیات و روایات نیز موید آنست مراجعه به اهل دانش و فن در هر زمان در حیات اجتماعی و سیاسی امری ضروری است. دخالت دادن آحاد جامعه و ارزش دادن به حضور سیاسی آنان در مهم‌ترین امور اجتماعی و سیاسی و تعیین مصالح و مقدرات یک جامعه است بسیار ضروری می‌نماید و تاسی به قرآن و راه و روش اهل بیت هم لازم و هم راهگشا خواهد بود.

^۱ نهج البلاغه: حکمت ۱۶۱

^۲ سرویس کیهان تاریخ انتشار: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۶، محسن عبداللهی

۶- مبارزه با فساد:

از دیگر شاخصه های کارآمدی براساس آنچه بعنوان اولویت مهم از دیدگاه آیات و روایات بدان می توان پرداخت شاخص مبارزه با فساد میباشد که از منظر سلبی نقش مهمی در رفع موانع ارتقای سطح کارآمدی نظام اسلامی و جلوگیری از هدر رفت پتانسیل های ایجابی در بحث کارآمدی را دارد. لذا امر به معروف و نهی از منکر حاکمان، الگوی عملی برای کنترل سطح زندگی مسئولان با ساده زیستی حاکم اسلامی، عدم سوء استفاده از قدرت، اجرای صریح احکام الهی، برخورد با دانه درشتها، فرهنگ سازی تولید ثروت برای جامعه توسط حضرت امیرالمومنین، به جای مسابقه ثروت اندوزی، جلوگیری از مصرف زدگی و تجمل گرایی، طلب روزی حلال، حرام بودن ربا، بعنوان کلید واژه های این شاخص است.

مبارزه با فساد در قرآن و روایات

قران کریم در بخشی از آیاتش هدف و رسالت خود را نجات انسانها از هر نوع فساد اعلام می کند از این رو؛ در آیات فراوانی این مسئله را به صورت مستقیم و غیر مستقیم بیان کرده است.

در آیات فراوانی از قرآن کریم «إفساد» در مقابل «اصلاح» ذکر شده است. همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!، الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَآ يُصْلِحُونَ که آن مردم در زمین همه گونه فساد می کنند و هیچ گونه به اصلاح (حال خلق) نمی پردازند. اولاً: حقیقت دعوت انبیاء، اصلاح حیات زمینی انسان است همچنانکه خداوند از قول شعیب نقل کرده (ان ارید الا الاصلاح من جز اصلاح خواست دیگری ندارم) و ثانیاً: نهی از اطاعت امر مفسدان حجتی برهانست. چون از انسانها به جهت فطرتشان انتظار اصلاح می رود، لکن آنها از فطرت خود منحرف گشته و به جای اصلاح فساد می کنند.

انسانها نیز که جزئی از اجزای عالم هستی هستند، از این کلیت مستثنی نیستند، اگر بر طبق آنچه که فطرتشان به سوی آن هدایتشان می کند رفتار کردند، به آن سعادت که بر

ایشان مقدر شده می‌رسند و اگر از حدود فطرت خود تجاوز نمودند، یعنی در زمین فساد راه انداختند، خدای سبحان به قحط و گرفتاری، و انواع عذابها و نعمت‌ها گرفتارشان می‌کند، تا شاید به سوی صلاح و سداد بگرایند، هم چنان که فرمود: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم/۴۱).

و نیز فرموده: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» (انبیاء/۱۰۵) و این بدان جهت است که وقتی صالح باشند، قهرا عملشان هم صالح می‌شود، و چون عمل صالح شد، با نظام عام عالمی موافق می‌شود و با این اعمال صالح، زمین برای زندگی صالح می‌شود.

رسول خدا(ص) برای دعوت مردم به سوی حق و مبارزه با فساد و ترویج خوبی‌ها و اخلاق صحیح بلند مبعوث شده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۱ «همانا من مبعوث شدم تا مکارم اخلاق را به اتمام برسانم»

در روایات نیز به تبع آیات قرآن، به مبارزه با فساد اشاره شده است مخصوصا در سیره آقا امیرالمومنین که بعنوان مظهر عدالت و مبارز خستگی ناپذیر با ظلم و ظالم و هر کجی و ناراستی. به نمونه‌هایی اشاره می‌شود. حضرت امیر مومنان اولین وظیفه حکومتی خود را مبارزه با سیری ظالم و گرسنگی مظلوم ترسیم می‌نمایند و در جمله ای بسیار جذاب می‌فرمایند: «لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامُ الْحُجَّةِ بِوَجُودِ النَّاصِرِ وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يُقَارَوْا عَلَى كُفَّةِ ظَالِمٍ وَ لَا سَغْبِ مَظْلُومٍ لِالْقِيَتِ حَبْلُهَا عَلَى غَارِبِهَا وَ لَسَقِيَتْ آخِرُهَا بِكَأْسِ أَوْلِيَّهَا»^۲

و این سرمشقی برای همه حاکمان اسلامی است تا با بی رغبتی به دنیا و دنیاگرایی حوزه مبارزه با مفسد را در سرلوحه برنامه حکومتی خود قرار دهند.

^۱ کنز العمال، ح ۵۲۱۷

^۲ نهج البلاغه، خطبه ۳

۷- آزادی های مدنی:

آزادی و کرامت انسانها در فرهنگ اسلامی از اساسی ترین و ارزشمندترین حقوق خدادادی است و منشأ رشد و پویایی در برابر، استبداد و خفقان و محدودیتهای نامشروع و غیر قانونی است، همانطور که استبداد و خفقان موجب رکود و ضایع شدن سرمایه ها و نابودی نیروهای خلاق و ضایع شدن استعدادهای خدادادی است، آزادی عامل حرکت و اقتدار و زمینه ساز شکوفایی استعدادها و سرمایه هاست و جزء گوهره انسانی و حیات طیبه الهی می باشد. آزادی بزرگترین ارمغانی است که جامعه بشری همواره طالب و در آرزوی آن بوده است.

اصل مبارزه با استبداد در سرلوحه برنامه انبیای الهی دیده می شود. تلاش برای ایجاد فضایی امن و آرام و آزاد همراه با کرامت انسانها و رعایت حریمها از ارکان برنامه های انبیا و جانشینان آنان بوده است. آزاد آفریده شدن انسان، آزادی عقیده، بیان، مسکن، شغل، فعالیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، حق رای. بعنوان کلید واژه های این شاخص می باشند.

آزادی در قرآن و روایات

در یک وصف کلی از دیدگاه قرآن تعریف آزادی به «رهایی از پرستش غیر خدا» گزینه ای که برگرفته از بنیادی ترین شعار اسلامی لا اله الا الله است به دلیل غنای مفهومی و معنایی می تواند دربردارنده دیدگاه اسلام درباره آزادی باشد و انسجام و سازگاری با نظام حقوق اسلام را از رهگذر ژرفای و گستره قلمرو داشته باشد. در این تعریف به دو نوع آزادی منفی و مثبت، اشاره رفته است در گام نخست، انسان می باید خود را از قید و بند هر آنچه جان و تن او را به اسارت، بردگی و بندگی گرفته است برهاند و در گام بعدی با تعقل، خردورزی و آگاهی، باور، عقیده، مذهب و اسلوب و شیوه درست حیات فردی، اجتماعی و سیاسی را برگزیند و خود صاحب اختیار و رقم زننده سرنوشت سیاسی و اجتماعی خویش باشد.^۱

^۱ هاشم اسلامی منبع: پژوهشهای قرآنی ۱۳۸۲ شماره ۳۵ و ۳۶ ویژه نامه قرآن و حقوق

بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که از دیدگاه قرآن، انسان با برخورداری از ویژگی‌هایی همچون جانشینی خداوند، فطرت الهی، شخصیت مستقل و آزاد، اختیار و اراده، عقل به عنوان فاعل آزادی (مولفه اول)، انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت به عنوان مهم‌ترین موانع آزادی (مولفه دوم) و توحید و عدالت، شناخت و تکامل انسان به عنوان بهترین اهداف آزادی (مولفه سوم) دانسته شده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت از دیدگاه قرآن، انسان برای رسیدن به رشد و تکامل باید از دخالت و سلطه انسان‌های دیگر، امیال و هواهای نفسانی و طبیعت آزاد و رها باشد.^۱

لذا از نظر قرآن انسان موجودی است که در انتخاب راه پس از هدایت، آزاد است. در آیه سوم سوره انسان پس از آن که انسان را شنوا و بینا معرفی می‌کند، می‌فرماید: *إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا*؛ بر اساس این آیه شریفه، انسان در انتخاب راه آزاد است و می‌توان آن را پذیرد و یا رد کند؛ بنابراین یکی دیگر از ویژگی‌های انسان، آزاد بودن اوست. از دیگر ویژگی‌های انسان، این است که موجودی است مختار و خود می‌تواند سرنوشت خویش را تغییر دهد لذا به گونه‌ای آفریده شده که می‌تواند سرنوشت خودش را تغییر دهد. از این رو سنت الهی بر این قرار گرفته تا زمانی که انسان‌ها در یک جامعه به دنبال تغییر وضعیت زندگی خود نباشند، خداوند نیز تغییری در زندگی آنها ایجاد نکند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ. بر اساس این آیه شریفه، اگر انسان‌ها موانع درونی رشد و پیشرفت خود را از بین ببرند و اراده تغییر در سرنوشت خویش را پیدا کنند، خداوند نیز تغییرات لازم را در زندگی و سرنوشت آنان انجام خواهد داد. در قرآن می‌خوانیم: *(وَالَّذِينَ اجْتَنَبُوا الطَّاغُوتَ أَنْ يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْوَالِدُونَ)* (زمر، ۱۷ و ۱۸). «و آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند، تا مبادا او را پرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند، آنان را مژده باد؛ پس بشارت ده به آن بندگان من که به سخن

^۱ منصور میراحمدی، مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن، راسخون، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۹۰

گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند. اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان».

این همان آزادی ای است که حضرت علی (ع) در وصیت خود به فرزندش امام حسن (ع) این گونه سفارش کرد: «نفست را از هر پستی، گرامی دار؛ هر چند ذنات، تو را به خواهش هایت برساند؛ زیرا هرگز در برابر نفس [ارجمند] خودت که می بخشی، چیز ارزنده ای به دست نخواهی آورد. بنده دگری مباش؛ زیرا خدایت تو را آزاد آفریده است»^۱

بر اساس روح توحیدی که در نگرش اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است، انسان تنها باید بنده خداوند باشد؛ نه غیر خدا و چنان که گفته شد، اراده خود را تابع مشیت و اراده خداوند قرار دهد و آزادی تکوینی خود را محدود و مقید به خواست خداوند گرداند که در این صورت، به زندگی با سعادت، در دنیا و آخرت، دست خواهد یافت. البته باید توجه داشت همه این شاخصه ها باید با رویکرد عقل گرایی، مصلحت محوری و وحدت گرایی مورد ملاحظه قرار گیرند.

نتیجه گیری

ما در این مقاله با بررسی شاخصه های کارآمدی در نصوص اسلامی، به این نتیجه رسیدیم که در آیات و روایات اسلامی بطور اعم و مفصل در مورد ارزیابی کارآمدی تصریحاتی بیان شده است البته توجه به اولویت شاخصه های کارآمدی که از جمله نوآوری این مقاله محسوب می شود بطور صریح در آیات و روایات این اولویت محسوس است. لذا نصوص و حیاتی و روایی که در این مختصر بیان شد علاوه بر کارآمدی که در شیوه حکمرانی امروزی زیاد بر آن تاکید می شود مزید بر آن ویژگی بارز که آن را از حکمرانی های دیگر تمیز می دهد عبارت است از اینکه حکومت اسلامی تابع اصول و

^۱ نهج البلاغه، نامه ۳۱

ارزش‌های دینی است و براساس اهدافی که دارد قلمرو دین اسلام، هم شامل امور دنیوی است و هم اخروی، بنابراین حکومت دینی، تدبیر امر معاش و معاد مردم را یکجا به عهده دارد چراکه درحکومت دینی دین، روح سیاست است و سیاست تابع دین قرار می‌گیرد و ولی فقیه، امام جامعه است؛ یعنی امام جامعه قرار است براساس نصوص مذکور طبق اصول بنیادین حاکم، با تعیین سیاست‌های کلان، جامعه را از وضع موجود به وضع مطلوب هدایت کند. که هیچ منافاتی در اینکه بصورت شکلی از تجربه حکمرانی‌های بشری استفاده نماید نیست.

البته این تنها شمه‌ای از منابع عظیم اسلامی بود که نویسنده در حد بضاعت علمی خود و محدودیت موضوعی مقاله، بدان دست یافته است که راه برای کارهای پژوهشی و تحقیقات علمی در این زمینه بیشتر بایسته است.

لذا بطور کلی نتیجه می‌گیریم برای کارگزاران و مجریان حکومت اسلامی کمبودی در تولید نرم افزارهای کارآمدی و حرکت در مسیر نظام حاکم براساس آموزه‌های دینی نیست تا نیازمند وام‌گیری از مبانی اندیشه‌ای بیگانه باشد. البته چنانکه بیان شد رسیدن به این هدف متعالی تنها در سایه کار و تلاش علمی نخبگان فکری جامعه و اعتقاد راسخ نخبگان ابرزاری برای رسیدن به جامعه آرمانی مدنظر اسلامی، محقق خواهد شد و در نهایت به این نکته اساسی خواهیم رسید که خدا باوری و حق محوری که روح حاکم بر سیاست دینی در اسلام است در چارچوب آن حق‌مداری و عدالت‌ورزی، تأمین رفاه مادی، کرامت و آزادی انسان که از اهداف حکومت اسلامی است تأمین خواهد شد و زمینه را برای هدایت و سعادت‌مندی نهایی انسان، رقم خواهد زد و این نتیجه به مقتضای مبانی جهان‌شناختی و معرفت‌شناختی اسلام، حاصل خواهد شد که کارآمدی برآمده از آن که خدامحوری و آخرت‌گرایی از اصول بنیادین آن محسوب می‌شود نه در تضاد با آبادانی دنیاست و نه آبادانی دنیا مانع از سعادت‌مندی اخروی است. در نتیجه تدبیر درست دنیا می‌تواند در راستای اهداف اخروی هم باشد.

منابع

- ۱) قرآن
- ۲) نهج البلاغه
- ۳) اسلامی، هاشم (۱۳۸۲). **پژوهشهای قرآنی**، شماره ۳۵ و ۳۶ ویژه نامه قرآن و حقوق.
- ۴) **ترجمه نهج البلاغه** (۱۳۸۲). محمد دشتی، ج هفدهم، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.
- ۵) تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). **غرر الحکم و دررالکلم**، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ۶) حق پناه، رضا (۱۳۷۷). «جایگاه قانون و قانون گرایی در قرآن»، **اندیشه حوزه**، شماره ۱۴.
- ۷) حکیمی، محمدرضا (بی تا). **الحیاه**، ج ۶، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- ۸) ذوعلم، علی (۱۳۸۷). **تجربه کارآمدی حکومت ولایی**، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- ۹) طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). **المیزان**، ج ۱۲، ج ۶ ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۱۰) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰). **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه حسین نوری، محمد مفتاح، تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چاپ اول.
- ۱۱) شریف میر محمد (۱۳۶۲). **تاریخ فلسفه در اسلام**، ج ۱، ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۲) شیخ حرعاملی، محمدبن الحسن (۱۴۰۳). **وسایل الشیعه**، ج ۱۱، الطبعة السادسة، طهران: مکتبه الاسلامی.
- ۱۳) شیخ صدوق، ابو جعفر (۱۳۷۶). محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، **امالی**، ترجمه محمد باقر کمره چاپخانه اسلامی.
- ۱۴) شهابی محمود (۱۳۷۵). **ادوار فقه**، تهران: نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۵) عبداللهی محسن (۱۳۹۶). «مشارکت مردم در سرنوشت خود از منظر قرآن»، **سرویس کیهان**، ۱۶ اردیبهشت.

- ۱۶) عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). **مبانی اندیشه سیاسی اسلام**، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۱۷) فقیهی سید مهدی (۱۳۸۳). **شکوه کارآمدی فقه سیاسی**، تهران: انتشارات زمزم هدایت.
- ۱۸) کراچکی، ابوالفتح (۱۳۹۴ق). **معدن الجواهر**، قم: مهراستوار.
- ۱۹) متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۱۴۰۱ ه). **کنز العمال**، مؤسسه الرساله.
- ۲۰) مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). **سیری در نهج البلاغه**، تهران: صدرا.
- ۲۱) ----- (۱۳۷۶). **تاریخ فلسفه در اسلام**، تهران: صدرا.
- ۲۲) میراحمدی، منصور (۱۳۹۰). «مفهوم آزادی از دیدگاه قرآن»، **راسخون**، ۲۶ اردیبهشت.